

لزوم بازنگری در شیوه نگارش خط فارسی^۱

طی چند قرن که کتابت در ایران در دست محرران و کاتبان بود و از چاپ حروفی سربی هنوز خبری نبود، قواعد خاصی به عنوان شیوه نگارش وجود نداشت، جز آنچه اصول زیبایی شناختی خط نستعلیق یا شکسته یا شکسته‌نستعلیق حکم می‌کرد. اگر سه واژه «این»، «است»، «که» را به صورت «اینستکه» به هم می‌چسبانند، به این سبب بود که ترکیب حروف آن قشنگ از آب در می‌آمد و چون اتفاقاً ترکیب پُر استعمالی هم بود، به مرور ایام آن قدر رواج یافت که هنوز تعدادی از جوانان قدیم این ترکیب را به کار می‌برند و در متون ناویراسته هم به همین صورت حروفچینی می‌شود. و اگر «بینید» را کاتب روزگار پیشین «به بینید» می‌نوشت، صرفاً به این سبب بود که از کثرت دندان‌های پیایی بکاهد و خواندن را آسان‌تر کند؛ هرچند که سهولت خواندن هم یگانه دل‌مشغولی خوشنویسان گذشته نبود. کتابت، هنر خواص بود و آدم فاضل کسی بود که با احاطه خود به شعر و ادب فارسی و عربی می‌توانست رمز تفنن‌های معمایی خطاط را در یک نظر بگشاید. پدربزرگم در نامه‌هایی که گهگاه به من می‌نوشت، حتی یک نقطه هم به کار نمی‌برد و من بی‌سواد، حیران و سرگردان، ساعت‌ها به نامه خیره

۱. آدینه، ش ۷۳ - ۷۴ (نوروز ۱۳۷۱): ۱۸ - ۱۹.

می‌ماندم بلکه چند کلمه آن را کشف رمز کنم. خوشبختانه بیش‌تر مطالب نامه‌های آن شادروان سلام و احوال‌پرسی و نصیحت در قالب کلیشه‌های مستعمل بود.

در سال‌های رواج چاپ سنگی و در نیم قرن اول رواج چاپ حروفی، بازم تغییر چندانی در شیوه نگارش پیش نیامد. هنوز همان سنت‌های بازمانده از کاتبان قدیم کم و بیش ادامه داشت. تا نیمه دهه ۱۳۳۰ شمسی، که برای پایان دادن به اغتشاشی که در چاپ کتاب‌های درسی پدید آمده بود، وزارت معارف وقت به راهنمایی مؤسسه انتشارات فرانکلین «سازمان کتاب‌های درسی» را بنیاد نهاد و یکی از اولین اقدامات آن سازمان کوششی برای اعمال یک نوع رسم‌الخط واحد در همه کتاب‌های درسی بود. و این سنتی شد که هنوز هم ادامه دارد.

حکم اول، به هم چسباندن همه حروف در هر کلمه مستقل اعم از ساده و مرکب بود، و کتاب‌های آن سال پُر از افراط‌کاری‌هایی چون «دانشسرایعالی» و «مجلسشورایعلمی» شد. البته در دستورالعمل‌های بعد روشن کردند که صفت و موصوف و مضاف و مضاف‌الیه را نباید به هم چسباند و سال بعد از ترکیبات طولانی ناخوشایند کم شد. کمیسیونی از ادبا با الهام از اعضای آکادمی فرانسه اولین قواعد «درست‌نویسی» (orthographe) فارسی را وضع کردند و این قواعد در جزوه‌هایی به چاپ رسید و راهنمای نسخه‌برداری در مؤسساتی شد که متون را قبل از چاپ ویرایش می‌کردند. در یک مرحله، مؤسساتی چون [انتشارات] فرانکلین به اندازه‌ای در اعمال شیوه رسم‌الخط خود پای می‌فشردند و تخطی از آن را غیر مجاز می‌دانستند که بعضی از مؤلفان و مترجمان طرف قرارداد ناچار بودند در پیش‌گفتار کتاب توضیح بدهند که رسم‌الخط تحمیلی از آن ناشر است و آنان بی‌تقصیرند. و گاه اتفاق می‌افتاد که ترجمه معیوبی با اصل خود مقابله نمی‌شد، ولی رسم‌الخط ناشر تمام و کمال در همه متن با دقت مکانیکی

خاصی اعمال می‌گردید. همان قضیه ویرانی خانه و نقش ایوان! اگر پس از این همه سالی که دستورالعمل‌های رسم‌الخط سازمان کتاب‌های درسی و فرانکلین و بعد مرکز نشر دانشگاهی به کار برده می‌شوند (یک ربع قرن مهلت برای رواج این دستورالعمل‌ها کافی نبوده است؟) یک شیوه نگارش واحد مورد پذیرش همگانی قرار گرفته بود، امروز ما دیگر مسئله‌ای به اسم «رسم‌الخط» نداشتیم و روش رایج را — هرچه که بود — به کار می‌بستیم. ولی متأسفانه جز قبول عام دوسه قاعده، مثلاً جداکردن می در افعال استمراری، یا «به»ی حرف اضافه، در همه موارد اتفاق نظر وجود ندارد، و مخصوصاً در مورد به هم چسباندن اجزای واژه‌های مرکب اختلاف نظر زیاد است و کار به جایی رسیده که عده‌ای به کلی طرفدار جدانویسی شده‌اند. و عده‌ای دیگر حتی در مورد چسباندن نشانه جمع‌ها به اسم و نیز چسباندن پسوندهای «تر» و «ترین» به صفت‌های تفصیلی و عالی دچار تردید هستند.

ما هنوز هم می‌توانستیم این انعطاف را داشته باشیم که از قبول یک شیوه نگارش واحد صرف‌نظر کنیم و هر کس به راه خود برود (چنان‌که دکتر علی‌اشرف صادقی زبان‌شناس فاضل همین را پیشنهاد می‌کند) جز اینکه با استفاده وسیع و روزافزون از کامپیوتر در عرصه نگارش و حروفچینی و پردازش متون به طور کلی، حل و فصل مسئله رسم‌الخط فوریت پیدا کرده است. چون کارهایی است که می‌توانیم برای سبک شدن بار خود از کامپیوتر بخواهیم و از امکانات آن در غلط‌گیری املائی و شکستن واژه‌های چند هجایی در انتهای سطرها و نیز استخراج بسامدهای واژگانی و حتی اعمال یک نوع رسم‌الخط مکانیکی سود بجویم، ولی پیش از همه این کارها باید موارد ابهام را کلاً رفع کنیم و به یک سلسله قاعده‌های ساده و منطقی و معقول برای شیوه نگارش برسیم تا از آن‌جا به بعد برنامه‌نویس‌ها دست به کار شوند و نرم‌افزارهای مورد نیاز ما را فراهم بیاورند.

در راه بازنگری به مسئله شیوه نگارش خط فارسی پیشنهاد ایرج کابلی (آدینه ۷۲) پیشنهادی است جدی و سنجیده و شایسته توجه. کابلی با بهره‌گیری از تجربیات خود در کار تألیف و ترجمه و با تکیه بر اصول زبان‌شناسی و با آشنایی نزدیک با کارکرد و کاربرد کامپیوتر، پیشنهاد خود را تدوین کرده و پیش‌نویس آن را قبل از انتشار نیز به نظر دوستان و آشنایان علاقه‌مند رسانده و در آن چند بار تجدید نظر کرده است. و اینک که متن پیشنهاد در آدینه انتشار یافته، در معرض اظهار نظر گروه‌های وسیع‌تری از علاقه‌مندان و کارشناسان قرار دارد و جزئیات امر طبعاً بیش‌تر حل‌جلی خواهد شد.

یکی از جالب‌ترین نکات در پیشنهاد کابلی، بی‌فاصله‌نویسی کلمات مرکب است به جای به هم چسباندن اجزای واژه‌های چند عنصری که توصیه دستورالعمل‌های موجود است، مثلاً «عقب‌نشینی» به جای «عقب‌نشینی». البته تدوین‌کنندگان همان دستورالعمل‌های اولیه هم گفته‌اند که هرگاه واژه ترکیبی به هم پیوسته‌ای نازیباً از آب درآید، اجزای آن را می‌توان به هم نزدیک، ولی جدا نوشت. یک اشکال این دستور به هم چسباندن، تسری نیافتن شمول آن به حروف ا، د، ذ، ر، ز، و، ه است که حضور آن‌ها در واژه‌های فارسی خیلی بیش‌تر از تعداد آن‌هاست و به تخمین نگارنده حدود ۳۰ درصد کل واژه‌های پر استعمال را در برمی‌گیرد، و این استثنای کوچکی نیست. در یک مورد به یاد می‌آورم که کوشش نسخه‌پرداز برای به هم پیوستن اجزای ترکیب «قهوه‌ای رنگ» حاصلی بیش از «قهوه‌ایرنگ» به بار نیاورده بود!

یک اشکال دیگر همین دستور دگرگون ساختن شکل واژه اصلی در حالت ترکیبی است، به طوری که درست خواندن و درک کلمه مرکب اغلب نیاز به مکثی برای بازشناسی عناصر آن پیدا می‌کند، مخصوصاً وقتی یکی از اجزای کلمه به ن یا ل یا س یا ص یا حروفی از این قبیل ختم شود و دوایر

انتهایی این حروف فضای مطبوعی در خط ایجاد می‌نمایند. این جزء را وقتی به جزء بعدی بچسبانیم، دایره جای خودش را به دندان می‌دهد و شکل کلمه عوض می‌شود. مثلاً «پایبترین» که در مقایسه با «پایین‌ترین» موجودی است در نظر اول به کلی ناآشنا. و به همین ترتیب «شکفتنها» و «رستنها» در مقایسه با «شکفتن‌ها» و «رستن‌ها». حُسن بزرگ بی‌فاصله‌نویسی این است که هیچ یک از دو مشکل بالا دامنگیر آن نمی‌شود و قاعده‌ای است که می‌تواند استثنا نداشته باشد.

بازنگری در کار رسم‌الخط را این بار باید به شکل کاملاً متفاوتی انجام داد. اگر بارهای پیش تنها فضلاگرد هم نشسته و حکم کرده‌اند، این بار همه کسانی که به نحوی، به هر نحوی، با خط سر و کار دارند، باید در تصمیم‌گیری دخالت داشته باشند. به نظر حقیر گروه‌های زیر باید نمایندگانی در جمع داشته باشند:

— نویسندگان، شاعران، مترجمان، روزنامه‌نگاران و خلاصه هرکس که کارش نوشتن است.

— محققان، ادبا و مصححان متون کهن.

— ویراستاران و نسخه‌پردازان. کسانی که بار یک‌دست کردن رسم‌الخط متون تا به حال بردوش آنان بوده است.

— زبان‌شناسان، که پیشنهادها را با توجه به ساختار و کاربرد زبان ارزیابی کنند.

— مربیان و کارشناسان تعلیم و تربیت. چرا که یکی از هدف‌های مهم تدوین یک شیوه نگارش، آسان‌تر ساختن آموزش خواندن و نوشتن به نوآموزان است.

— خوشنویسان و هنرمندان گرافیکست و مخصوصاً طراحان حروف. در دستورالعمل‌های موجود احساس نمی‌شود که توجه خاصی به زیبایی‌شناسی خط فارسی شده باشد، در حالی که بذل عنایت به امری که بخشی از میراث

فرهنگی و هویت ملی ما به شمار می‌آید، کاری است الزامی.

— کارشناسان حروفچینی. که به ما بگویند کدام یک از پیشنهادها از نظر فنی و ملاحظات عملی مسئله‌انگیز است.

— برنامه‌نویسان کامپیوتر، که حضور آنان نیز ضروری است، چرا که راه‌گشای امکانات بی‌شمار کامپیوتر برای فارسی‌زبانان خواهند بود.

هدف‌های به کارگیری رسم‌الخط یک‌دست را نیز باید از پیش معلوم کرد. اصولاً از این کار چه طرفی می‌خواهیم ببندیم؟ به عقیده نویسنده این سطور، اهداف زیر را باید مد نظر قرار داد، هرچند که در عمل ممکن است هدف‌های دیگری نیز مطلوب به نظر برسند.

— آسان‌تر ساختن نوشتن و خواندن و درک سریع واژه‌ها و عبارات.

— حفظ زیبایی خط فارسی.

— سهولت استفاده از قواعد پیشنهادی و کم‌استثنا بودن آن‌ها. در دستورالعمل‌های موجود همزه در کلمات فارسی (مثلاً پائیز) تبدیل به ی می‌شود ولی همزه در کلمات عربی (مثلاً جزئی) تغییر نمی‌کند. نتیجه چه شده است؟ همه جزئی‌ها جزیی شده‌اند و همه رئیس‌ها رییس. یا ب اول واژه‌ها را در نظر بگیرید که سه دستور دارد: ب حرف اضافه جدا نوشته می‌شود (به او نه باو)؛ ب تأکید به فعل امر می‌چسبد (بین نه به بین) و ب صفت‌ساز بر سر اسم که می‌نشیند، به آن وصل می‌شود (کارِ بجا نه به جا). تشخیص این موارد برای ادیب آسان است، ولی برای بسیاری از جوانان دیپلمه‌ای که امروزه در امور جاری نشر فعالیت دارند ممکن است آسان نباشد.

— پرهیز از به تصویب رساندن پیشنهادهای شدیداً انقلابی و سنت‌شکن؛ البته این نظر حقیر است و ممکن است دیگران نظرهای متفاوتی داشته باشند. ولی تصور من این است که اگر قصدمان ارائه پیشنهادی است که در ایران کاربرد عام پیدا کند و حتی فارسی‌گویان خارج از کشور را هم تحت تأثیر قرار دهد، باید به دنبال دستیابی به نظر جمع (consensus)، و حتی

نظرخواهی از قشرهای نسبتاً وسیعی از علاقه‌مندان باشیم و نه فردگرایی. — عملی بودن پیشنهاد از لحاظ فنی در سیستم‌های حروفچینی موجود. مثلاً استفاده از یاء منقوط عربی، همین که مهندس کابلی پیشنهاد کرده است، به جای یاء نسبت به کار ببریم، (و در حال حاضر من آن را روی صفحه کلید کامپیوتر خود نیافتم) آیا در حال حاضر برای همه عملی است؟ در آینده که همه چیز صددرصد کامپیوتری شد، کم و بیش هر پیشنهادی عملی خواهد بود، ولی در حال حاضر چه قدر عملی است؟

و پیشنهادها چه‌گونه و در چه مرجعی به تصویب نهایی برسند بهتر است و چه تضمینی برای اجرای آن‌ها وجود خواهد داشت؟ اجازه بدهید صحبت از تصویب نهایی و رسمی شدن دستورالعمل جدید را نکنیم. اگر دستورالعملی ۲۵ سال رسماً در کتاب‌های درسی و نشریات دیگر وزارتتی به کار بسته شود و هنوز در همه طبقات باسواد کشور رواج عام نیافته باشد، لابد اشکالی دارد که به ضرب بخشنامه حل نخواهد شد. حقایقیت و اصالت پیشنهادهاست که باعث پیشبرد آن‌ها خواهد شد. پیشنهاد اگر خوب و عملی و آسان باشد، کم کم قبول عام پیدا می‌کند و خود به خود جا می‌افتد. ولی به شرطی که متن آن پس از بررسی‌های اولیه و کارشناسانه و پس از حصول توافق در جمع خبرگان به بایگانی راکد سپرده نشود و همیشه در دسترس علاقه‌مندان باشد. مطبوعات در این میان می‌توانند کمک مؤثری بکنند. و جمع کارشناسان می‌تواند اگر وسعش را پیدا کند نسخه‌های رایگان پیشنهادهای به تصویب رسیده را برای علاقه‌مندان بفرستد.

از آزمایش‌های عملی هم غافل نباید بود. اگر هدف خواندن و درک مطالب را برای نوسودان آسان‌تر بسازد، این امر باید عملاً در نقاط مختلف کشور و در میان گروه‌های سنی مختلف بارها آزمایش شود. نتایج عملی چنین آزمایش‌هایی می‌تواند جمع کارشناسان را در جهت انتخاب اصلح رهنمون شود.

از جمله نکاتی که نیاز به تصمیم‌گیری دارند، چند مورد را برای یادآوری ذکر می‌کنم. این‌ها البته همه موارد نیست:

— انتخاب میان جدانویسی (راست پنج گاه)، پیوسته‌نویسی (راست‌پنجگاه) یا بی‌فاصله‌نویسی (راست‌پنجگاه).

— تصمیم‌گیری در مورد انواع ب‌های آغازین.

— تصمیم‌گیری در مورد چسباندن یا نجسباندن نشانه جمع‌ها و نشانه‌های صفت تفصیلی و عالی.

— تصمیم‌گیری در مورد جدانویسی یا پیوسته‌نویسی می در افعال استمراری.

— انتخاب میان ه و ه‌ی. بنویسیم نامه دوست یا نام‌های دوست؟

— تصمیم‌گیری در موارد دیگر چون شکل‌های کوتاه‌شده فعل بودن یا شکسته‌نویسی.

— تصمیم‌گیری در مورد تبدیل همزه به ی یا حفظ همزه در واژه‌های فارسی.

برای شروع می‌توان پیشنهاد مشروح ایرج کابلی را نقطه آغاز بحث قرار داد. کارهای دیگران را هم در این میان نباید فراموش کرد. از جمله کار مفصل و دقیق دکتر شمس‌الدین ادیب سلطانی در درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی (امیرکبیر، ۱۳۵۴) و فصل «شیوه خط فارسی» او در راهنمای آماده ساختن کتاب (انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۱۱۱ تا ۱۹۳). به همه پیشنهادها و دستورالعمل‌های قبلی و موجود نیز باید رجوع کرد.